**سیره ی اقتصادی امام علی(ع) در دوران حکومت**

فاطمه زند

چکیده

انسانی که در یک جامعه زندگی می کند دارای نیازمندی ها و احتیاجاتی است که توسط جامعه ای که در آن زندگی میکند برآورده می شود و احتیاجات اقتصادی از نیازمندی های اولیه ی انسان به شمار می رود که بدون آنها نمی تواند به زندگی خود ادامه دهد. بنابراین وجود یک نظام اقتصادی در هر جامعه ای لازم است و برای اینکه این نظام اقتصادی سالم و کارآمد باشد و موجبات پیشرفت جامعه را به همراه داشته باشد در وهله ی اول نیازمند به یک مدیر با تدبیر و عادل است که بتواند اداره ی امور را به دست گرفته و به سوی اصلاحات و پیشرفت ببرد.

علاوه بر این یک مدیر می تواند با تعیین چارچوب و تنظیم قوانینی برای نظام اقتصادی کشور آن جامعه را به خود کفایی و استقلال برساند. استقلالی که موجبات بی نظمی و اختلال را با بی توجهی در امور مالیات، بیت المال، فقرا، اشتغال و... فراهم نکند. به همین دلیل فرمانروایی که انجام و اجرای امور به فرمان اوست نباید از مفسده های موجود در کمین اقتصاد سالم جامعه غافل باشد؛ مواردی همچون: ربا، رشوه، احتکار، استئثار و عدم کنترل و نظارت بر بازار از امری هستند که با اندکی غفلت به راحتی می توانند نظام اقتصادی یک کشور را فلج کنند.

لازم به یادآوری است که مصداق مطالبی که بیان کردیم سیره ی اقتصادی حاکم بر جامعه ای است که حکومت آن به دست حضرت علی(ع) است.

واژگان کلیدی: سیره، اقتصاد،دوران، حکومت، امام.

مقدمه

سپاس خدای را که حق ستایشش بالاتر از حد ستایشگران است و نعمت هایش فوق اندیشه ی شمارشگران. خدایی که با قدرت متعالیش هستی به مخلوقاتش می بخشد، مخلوقاتی که خلیفه ی خداوند بر روی زمین هستند برخی از این مخلوقات با تهذیب نفس و با اطاعت بی چون و چرا از امر پروردگارشان به درجات معنوی و دنیوی بالایی می رسند.

حضرت علی(ع) بزرگ مردی بود که وظایف بندگی اش را در حد تمام و کمال انجام داد، یک بنده ی شایسته ای که همواره از مولایش در طریقت زندگی الگو می گیرد و تا حد ممکن صفات و ویژگی های اله اش را کسب می کند. ایشان نیکو عابدی بودند که همواره خود را عبدی نیازمند به درگاه معبودش می دید و همین امر باعث شد که ایشان روح خویش را رشد و تعالی دهد و به حدی برساند که به گونه ای نمایان گر صفات خدا بر روی زمین باشند. و نمونه های بارز این صفات را می توان با نگاهی به دوران حکومت ایشان متوجه شد.

او عادل ترین، مهربان ترین، راستگوترین، امین ترین و... از میان همه ی مردم بود و در چهار سال و نه ماه دوران خویش نهایت تلاش خود را کرد تا بتواند فرامین پروردگارش را اجرا سازد.

در این مقاله سعی شده است که قطره ای از اقیانوس بی کران وجودی امام علی(ع) در رابطه با عملکرد ایشان در نظام اقتصادی دوران خلافتشان به تحریر در آید تا شاید با لطف و عنایت پروردگار و با نگاه الطاف آمیز مولایمان اندک معرفتی حاصل شود و موجبات رستگاری فراهم گردد.

مفاهیم(تعاریف لغوی و اصطلاحی)

سیره : راه و روش ،قاعده ، قانون ، راه رفتن ورفتار کردن.1

اقتصاد : میانه راه رفتن ، میانه روی کردن ،به اندازه خرج کردن ، تعادل دخل وخرج را نگاه داشتن.2

اقتصاد از مقصد به معنای میانه روی آمده است ودر اصطلاح دانشی است که به بررسی فعالیت های فردی واجتماعی مربوط به تولید ، مبادله ، ومصرف کالا وخدمات می پردازد.3

امام : پیشوا ، پیشرو ، مقتدا قیم ، مصلح ، الگو ، راه اصلی وراهنماست وریشه این واژه از(ا- م- م) به معنای قصد می باشد.4

امام کسی است که همواره مقصود وهدف حرکت وتلاش دیگران قرار می گیرد. واژه ی امام بر زن ومرد اطلاق می شود وجمع آن ائمه وایمه است ، در اصطلاح کلامی معنای متعددی ازین واژه ارائه شده است که شایع ترین معنای آن ریاست عمومی در امور دین ودنیاست وبر خی جانشین پیامبر در حفظ دین وسیاست دنیا را تعریف اصطلاحی آورده اند.5

دوران : چرخه، گردش، فرمان، عهد، دوره،6 روزگار وعهد و زمان.7

حکومت: حکم دادن، فرمان دادن، فرمانروایی کردن بر یک شهر یا یک روکشور و اداره کردن شئون اجتماعی وسیاسی مردم.8

موقعیت درخشان حضرت علی (ع)

انقلابیون تنها در فکر کنار زدن عثمان بودند و هرچند در مدت محاصره ی خانه عثمان اسم علی(ع) بر سر زبانها بود، اما بر نامه ی روشنی برای آینده نداشتند لذا وقتی که عثمان را کشتند تازه با مشکل انتخاب خلیفه روبه رو شدند.

علی (ع) با ارزیابی اوضاع وملاحظه دگر گونی هایی که در زمان عثمان رخ داده بود ونیز دوری وبی خبری فاحش مسلمین از اسلام اصیل نخستبن ، خوب می دانست که حکومت کردن بعد از فساد و آلودگی دوران حکومت عثمان بسیار مشکل است و مردم به ویژه سران قوم، زیر بار اصلاحات مورد نظر او نمی روند و عدالت او را قبول نمی کنند. از این رو وقتی که انقلابیون به حضرت پیشنهاد بیعت کردند نپذیرفت وفرمود :« مرا واگذارید وبه سراغ شخص دیگری روید ، زیرا ما به استقبال وضعی می رویم که چهره های مختلف وجهات گوناگونی دارد (اوضاع مبهم وپیچیده است) ، دل ها براین امر استوار وعقلها ثابت نمی مانند ، ابر های فساد ، فضای جهان اسلام را تیره ساخته وراه مستقیم نا شناخته مانده است.

آگاه باشید که اگر دعوت شما را اجابت کنم ، بر طبق علم خویش با شما رفتار خواهم کرد وبه سخن این و آن و سرزنش ملامتگران گوش فرا نخواهم داد ، اما اگرمرا رها کنید ، من هم مانند یکی از شما خواهم بود ، شاید شنواتر و مطیع تر از شما نسبت به خلیفه منتخب شما باشم و من وزیر و مشاورتان باشم بهتر از آن است که امید ورهبرتان گردم».

اما چون رفت وآمد ها زیاد شد ودر خواست های مصرانه مسلمانان افزایش یافت و سیل مردم خسته از مظالم پیشین ومشتاق عدالت به در خانه حضرت سرازیر شدند . امام احساس وظیفه کرد وناگزیر بیعت مردم را پذیرفت. چنانکه امام در خطبه ی شقشقیه درمورد رمز قبول خلافت اینگونه می فرمایند: «... سوگند به خدایی که دانه راشکافت وانسان را آفرید، اگرنه این بود که آن جمعیت برای بیعت گرداگرد جمع شده وبه یاری بر خاستند وازاین جهت حجت تمام شد واگر نبود پیمانی که خداوند از علما گرفته که در برابر پر خوری ستمگران وگرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، من افسار شتر خلافت را رها می ساختم واز آن صرف نظر می نمودم ...»9

اقتصاد در حکومت

اقتصاد در لغت به معنی اعتدال و میانه روی است. انسانی که در جامعه زندگی می کند، احتیاجاتی دارد که توسط جامعه به آن پاسخ داده می شود.

درحقیقت احتیاج های اقتصادی انسان (خوراک، پوشاک، مسکن و..) ازجمله احتیاج های اولیه وضروری می باشد که بشر بدون تأمین آن قادر به ادامه حیات خود نیست.

حکومت ها در جوامع مسئولیت مهمی در این زمینه دارند که با اجرای سیاست های صحیح وعادلانه اقتصادی ، امور ضروری جامعه را محقق سازند ودر این زمینه جامعه اسلامی با هدف ایجاد قسط و عدل درجامعه وتحقق عدالت اجتماعی وظیفه سنگین تری به عهده دارد که با به کارگیری ساختارهای اقتصادی صحیح ومناسب در جامعه، اقتصاد جامع و پویا وپاسخگو داشته باشد.

اولین رمز پیروزی در اقتصاد یک جامعه استقلال وبی نیازی آن است که امروزه به آن«خودکفایی» می گویند. زمامدار جامعه اسلامی باید قدرت وتوانایی لازم جهت پیشبرد امور اقتصادی جامعه داشته باشد.

چنانچه امام علی (ع) می فرمایند: «حق تنظیم کامل مسائل اقتصادی جامعه بر عهده زمامدار است.»10

ویژگی های مدیران اقتصادی

مدیر در لغت به معنای به گردش در آوردن و به چرخش در آوردن امور می باشد و در اصطلاح مدیریت را چنین تعریف کرده اند: « مدیریت فرآیند به کار گیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می گیرد».11

با توجه به تعریفی که از واژه ی مدیریت ارائه کردیم به نحوی چهار چوب کاری یک مدیر برای ما روشن شد از آنجایی که بحث ما در رابطه با سیره ی اقتصادی اولین امام شیعیان است در نتیجه در این قسمت به بررسی برخی از ویژگی های مهم یک مدیر اقتصادی کارآمد بر طبق زندگی امیر المؤمنان علی (ع) می پردازیم.

1.دستور حکومتی به فرمانداران

امام متقین در دستور کاری خود به مالک اشتر داده است او را در واگذاری مدیریت ها به افراد چنین دستوری می دهند: ای مالک برای هر کاری از کارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی خود مدیر و رئیسی را تعیین کن مدیری که دارای این ویژگی باشد:

آ. بزرگی و عظمت کار او را ناتوان و مغلوب نسازد.

ب. زیادی و تراکم کار او را پریشان و رنجورش ننماید.12

حضرت علی(ع) در نامه ای دیگر به زیاد بن ابیه که سمت جانشینی عبد الله بن عباس را به عنوان دحاکم بصره بر عهده داشت دیدگاه یک مدیر را در مسائل اقتصادی کشور گوشزد می کند و می فرماید:« زیاده روی را واگذار و تعادل و میانه روی در مسائل اقتصادی را پیشه ی خود ساز، از همین امروز به فکر فردا باش و از امکانات خود به مقدار ضرورت استفاده کن و پس انداز افزوده را با برنامه ای منظم به خاطر روز نیازمندی دنیا و آخرتت به آینده اختصاص بده».13

و در جایی دیگر آن پیشوای بزرگ به نماینده و فرماندار خود در آذربایجان به نام«اشعث بن قیس» چنین می نویسد:

«مدیریت و حکمروایی برای تو طعمه نیست بلکه آن مسئولیت در گردن تو به امانت است و کسی که از تو بالاتر است از خواسته که نگهبان آن باشی و وظی فه نداری که در کار مردم به میل و خواسته شخصی خود عمل کنی و یا بدون ملاک معتبر و فرمان قانونی به کار بزرگ دست بزنی و اموالی که در دست توست از آن خداوند می باشد و تو خزانه دار هستی تا آن را به من بسپاری و امیدوارم که برای تو بدترین فرمانرواها نباشم».14

2.توجه به وضع اقتصادی مردم

امام علی (ع) به یکی از فرماندهان خود به نام قرظة بن کعب انصاری به خاطر اینکه مردم منطقه حکومتی او دچار مشکل اقتصادی شده بودند می نویسد:

«مردانی از اهل ذمه از حوزه فرمتنداران تو گفته اند که در زمینهایشان نهری داشته اند که پر و خشک شده است، پس در مشکلات اقتصادی آنها مطالعه کن و آن نهر را اصلاح کن!

به جان خودم سوگند! اگر آبادانی شود و مردم تأمین گردند بهتر از آن است که از آنجا کوچ کنند و ناتوان گردند و از انجام کارهایی که به صلاح ممکن است باز مانند».15

3.عدالت محوری

عدالت به معنای«انصاف و دادگری» یکی از خواسته های درونی هر انسان است و تمام آحاد مردم در هر زمان و مکان، در هر شخصی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اعم از کوچک و بزرگ، مؤمن و کافر، مرد و زن، ستمکار و ستمدیده، دانا و نادان و ... خواهان اجرای این صفت انسانی و قرآنی بوده اند و از نقض آن متنفر می باشند. چنانکه خداوند نیز در بسیاری از آیات اهل ایمان و بندگانش را به رعایت آن دعوت می کند به طور نمونه آیات (135 نساء، 8مائده، 8 ممتحنه و 194 بقره) عدالت را حتی در مورد دشمنان اسلام، کفار و مشرکین، جنگجویان و متجاوزان مورد تأکید قرار داده است و این منظور را می رساند که ترک عدالت جایز نبوده و همگان محتاج به عدالت و خواستار اجرای آن هستند.

با اندکی دقت و تأمل در دوران حکومت امام علی(ع) و با نگرشی بر سخنان و رفتار ایشان متوجه می شویم که این مرد بزرگ تجسم عینی عدالت و دادگری است و فهم این عبارت تنها با تفکر در عمق سخنان ایشان و بررسی شیوه های رفتاری ایشان در شرایط گوناگون به عنوان حاکم جامعه ی اسلامی قابل درک است. برای نمونه به دو سخن از ایشان اشاره می کنیم:

« عدل السّلطان حیاة الرعیة و صلاح البریة»16

دادگری نظام حکومتی به کالبد مردم روح حیات و زندگی می بخشد و کارهایشان را سامان می دهد.

«عدل ساعة خیرٌ من عبادة سبعین سنةٍ قیام لیلها و صیام نهارها، و جور ساعةٍ في حکمٍ اشدّ و اعظم عند الله من معاصی ستین سنةٍ...»17

یک ساعت دادگری پاداشش از هفتاد سال عبادت که شبها به قیام وروزها به صیام بپردازی بالاتر است وساعتی جور وستم در حکم خدا کیفرش از شصت سال گناه بیشترمی باشد!!

توجه واهمیت دادن به عدل و عدالت به قدری مهم وضروری است که اگردرجامعه ای دادگری باشد،تمرکزثروت دردست زراندوزان وسرمایه داران محصور نمی گردد وفقرا وکارگران وطبقات ضعیف برای زندگی بخورو نمیروردست عده ای شهوت ران وخود پرست اسیر نمی شوند ونوامیس مردم مورد حتک حرمت قرار نمی گیرد وملت در برابر هجوم بیگانگان ومتجاوزان تسلیم نمی شوند وروز به روز بغض ودشمنی ونا امنی وترورها افزایش پیدا نمی کند و... زیراعدالت جلو اینها را می گیرد.

درپایان بحث از عدالت به بیان دونمونه رفتار عملی حضرت علی(ع) اشاره می کنم.

عدل علی(ع)

وقتی که به خلافت رسید قسمتی از اموالی راکه می رسید برای امور عام المنفه برمی داشت وباقی را بین مردم تقسیم می کرد.

علی(ع) هیچ چیزرابدتر از ذخیره کردن مال دربیت المال نمی دانست.کاهگاه دستور میداد که بیت المال را آب وجارو کنند تا دورکعت نماز بخاند.

مایل نبود اگر مرگ اوراغافلگیرکرد در بیت المال اندوخته ای باشد که به مستحق آن نرسیده باشد.وقتی میوه یاعسل وروغن وامثال آن رامی آوردند فورا تقسیم می شد.18

عادل دلسوز وآگاه

پس ازشهادت علی(ع)یکی ازدوستان علی به نام ضراربن صفره به شام رفت ودر جلسه ای بامعاویه ملاقات کرد.معاویه که اورامی شناخت به او گفت مقداری ازعلی(ع) برایمان تعریف کن.

صفره تااسم علی(ع) راشنید منقلب شده بی اختیار قطرات اشک ازچشمانش سرازیر شد وگفت: ای معاویه ازاین تقاضا بگذر ومرا معاف بدار. معاویه اصرار کرد وگفت: ازتو دست بر نمی دارم تا مقداری ازفضائل علی(ع) را برایمان بگویی. او به مطالبی ازشأن امیرالمومنین علی(ع) اشاره کرد ودر میان این مطالب در جمله ای گفت که بسیاربلند معنی است، اوگفت: «لایخاف الضعف من جوره، ولایطمع التقوی فی میله » مستضعفان وضعیفان ترس آن نداشتند که از ناحیه او به آنها ظلم بشود وزورمندان در رسیدن به اهداف باطل خود در اوراه نداشتند.19

4 وجدان کاری

یکی از مهم ترین ویژگی های یک مدیر در بخش اقتصادی این است که هر کاری که بر عهده ی او نهاده اند احساسا مسئولیت کند و لحظه ای غفلت و بی توجهی نسبت به آن امر نداشته باشد. اصطلاحًا به چنین کسی که خود را در برابر کاری که بر دوش اوست مسئول می بیند می گویند که شخص دارای وجدان کاری استف اما نباید به این نکته بی توجه بود که آیا کسی می تواند همچون علی(ع) در برابر مسئولیتی که به او سپرده شده احساسا وظیفه کند. برای روشن تر شدن این مبحث به ارائه ی مطالبی در این زمینه اقدام می کنیم.

\_امام علی(ع) در هوای گرم در بیرون خانه

سعید بن قیس یکی از ارادتمندان امام در هوای گرم تابستان در حال رفتن به خانه بود. او از کوچه های کوفه می گذشت و سعی می کرد هرچه زودتر خود را به کنار خانواده اش برساند، ساعت حرکت او کمی پس از ظهر بود که معمولًا افراد خسته و کوفته آن هم در هوای گرم نیاز به خواب و استراحت دارند، چشمان سعید به مرد عربی افتاد که در کنار دیواری نشسته بود، با خود فکر کرد که شاید وی غریبی است که خانه و آشیانه ندارد، نزدیک و نزدیک تر رفت، ناگاه او را شناخت و به تعجبش افزوده شد، او علی بن ابیطالب(ع) بود، سعید سلام کرد و سؤال نمود: یا امیرالمؤمنین! چرا در کوچه نشستی؟ و چرا خانه و کنار فرزندان را رها نموده ای؟

حضرت جواب داد:«برای هدف خاصی بیرون نیامده ام، مگر اینکه ستمدیده ای را زودتر دادخواهی نموده و از گرفتاری او رفع مشکل نمایم».20

\_یاری دهنده ی ضعیفان

روزی امام علی(ع) به بازار رفت و از مجموعه ی خرما فروشان عبور کرد که ناگهان دید کنیزی می گرید. حضرت جلو رفت و علت گریه ی کنیز را از او پرسید؟ او گفت: صاحبم پول به من داد که خرما بخرم وقتی خرما را تهیه کردم و به منزل بردم صاحبم خرماها را نپسندیده و گفت: خرما ها را پس بده حالا هر چه به این مغازه دار می گویم خرماهایت را پس بگیر و پولم را پس بده قبول نمی کند. حضرت به خرما فروش گفت: ای بنده ی خدا این کنیز از خود اختیار ندارد درهم او را رد کن و خرمای خود را بگیر.

آن مرد برخاست و با دست خود بر سینه ی علی(ع) زد و امام را از جلوی مغازه اش دور کرد. مردم به او گفتند: ای مرد این امیرالمؤمنین علی(ع) است، آن مرد ترسید و پول خرما را به کنیز داد و خرمای خود را پس گرفت پس به امام عرض کردکه یا علی(ع) مرا عفو بفرمائید و از اشتباه من درگذرید. حضرت فرمود: اگر امر خود را اصلاح کنی زودتر از تو راضی خواهم شد یا در روایتی دیگر فرمود:اگر حقوق مردم را رعایت کنی زودتر از تو راضی می شوم.21

\_امام علی (ع) پدر یتیمان

لو ددت اَنّی کنت یتیمًا

ای کاش من هم یتیم بوده و این چنین مورد لطف علی(ع) قرار می گرفتم.

ابو طفیل می گوید: امام علی(ع) در دوران حکومت خویش افراد مستمند و بی نوا را مورد عنایت قرار می داد. روزی او را مشاهده کردم که بچه های یتیم و بی سرپرست را به دور خود فرا خوانده، ناگاه تمام یتیمان را جمع کرده و سفره ی مناسبی باز کرد، عسل و سایر نیازمندی ها را دور هم چید لقمه های لذیذ و عسلی بر دهان آنان می گذاشت و این منظره آن چنان مؤثر و جالب بود که بعض اصحاب گفتند: ای کاش ما هم یتیم بودیم.22

ایشان به قدری به یاد یتیمان بودند و به احوال آنها رسیدگی می کردند که حتی آنها را در واپسین لحظات عمرشان نیز فراموش نکردند و در آخین وصیت هایشان این چنین می گفتند:

« الله الله في الایتام، فلا تغبّوا اَفواهَهُم و لا یضیعوا بِحضرتکم»

شما را به خدا یتیمان را فراموش نکنید، دهن های آنها را در انتظار غذا قرار ندهید، مواظب باشید که آنان گرسنه نمانند و حقوقشان با وجود شما تباه نگردد.23

\_حکومت و احقاق حق

حضرت علی(ع) در راه سفر خود به سوی بصره برای جنگ با آشوبگران جاهل جمل در منطقه ذی قار توقف کرد. گروهی از حجاجئ نیز که از مکه باز می گشتند در آنجا فرود آمدند و چون از حضور امام علی(ع) در آن محل مطلع شدند نزدیک خیمه آن حضرت جمع شدند تا از نصایح آن حضرت استفاده نمایند. ابن عباس با مشاهده جمعیت مشتاق، به خیمه امیرالمؤمنین(ع) داخل شد ایشان را در حال وصله نمودن لنگه کفش خود یافت. عرض کرد: ای امیرالمؤمنین(ع) احتیاج ما به این که امور ما را اصلاح نمایی از وصله کردن این کفش های کهنه بیشتر است، حضرت پاسخی به وی نداد و هم چنان خاموش ماند تا از تعمیر کفش خود فارغ شد آن گاه آن را کنار لنگه ی دیگرش گذاشت و به ابن عباس فرمود: ابن عباس این کفش های من چقدر می ارزد؟ او عرض کرد: این کفش ها از بس وصله خورده مندرس شده اند از قیمت افتاده و ارزشی ندارد. حضرت فرمود با این حال نزد من محبوبتر از امارت حکومت بر مردم است. مگر آنکه به واسطه ی آن احقاق حقی کنم و یا باطلی را دفع نمایم.24

استقلال اقتصادی

اقتصاد سالم، اقتصادی است که متکی و خود کفا باشد تا بتواند با حفظ استقلال و به دور از وابستگی های مالی، سیاست های اجرایی خود را پیش برد. علی(ع) در طرد وابستگی و تبعات منفی آن به نکته روان شناسانه ی دقیق و جالبی اشاره کرده و می فرماید:« اگر ملتی کمک می خواست و ملت دیگر کمک داد، خواه و ناخواه اولی برده و اسیر دومی است. و اگر بخواهی با ملتی در استقلال یکی باشی، باید از او بی نیاز شوی». زیرا جامعه ی اسلامی وظیفه دارد با به کارگیری سیاست های اصولی و بینش صحیح و ساختار اقتصادی جامعه را به سوی استقلال و خود کفایی سوق دهد. در این راستا حکومت وظایف بسیار سنتگینی از لحاظ اجرایی و هدایت امور جامعه برعهده دارد.

جهت تحقق امور اقتصادی جامعه ایجاد فرصت های شغلی، گرفتن مالیات، ایجاد عمران و آبادانی در کشور، وجود فقر و فقرا، عدم تعدی و تجاوزبه بیت المال از امور مهمی است که توسط یک حاکم شایسته محقق می شود لذا ما در این قسمت به توضیح اجمالی برخی از این موارد می پردازیم.25

\_ایجاد اشتغال(فرصت های شغلی)

امام علی(ع) با سرمایه گذاری در امور اقتصادی جامعه درصدد ایجاد تسهیلات شغلی در جامعه بود و در زمینه ی اشتغال با راه اندازی کارگاه های کوچک تولیدی افراد را به کار و کسب وامی داشت و از سویی در روایات گوناگون به کار و تولید توجه می نمودند برای نمونه:

\_ در جوانی شتری داشت که با آن باغستان های مردم را آب می داد و از بابت آن اجرت می گرفت.

\_ و با شتر از راه های دور آب آشامیدنی مناسب می آورد و اجرت می گرفت.

\_ کشالورزی و درختکاری و باغداری را دوست می داشت و باغات زیادی را در اطراف مدینه به وجود آورده بود.

\_ چاه می کند، وقتی از چاه ها آب فواره می زد آن را وقف مسافران و حجاج بیت الله الحرام می کرد.

\_ فرزندان و همسران خود را نیز به کار و تولید تشویق می نمود، آنان نیز لباس های مورد احتیاج خود را از پشم ریسی فراهم می نمودند وخود آن را می بافتند.

\_ برخی از نخلستان ها را وقف همسران و فرزندان خود می کرد تا محتاج دیگران نباشند.26

آری زمانی که به کارهای امام دقت می کنیم در می یابیم که ایشان چگونه از کمترین امکانات بیشترین استفاده ها را در جهت کسب و کار انجام می دادند.

\_مالیات

حکومت در قبال وظایفی که انجام می دهد، هزینه ای هم از مردم دریافت می کند که « مالیلت» نام دارد. حقیت دریافت این پول در زمانی تنها شامل پرداخت خمس و زکات می شد. اما امروزه با گسترش قلمرو حکومت، مالیات به شیوه های دیگر دریافت می شود.

کسب مالیات توسط دولت زمینه مناسبی را برای حکومت فراهم می کند که از آن مالیات در جهت عمران و آبادانی و بهینه سازی مسائل اقتصادی و اجتماعی استفاده کند و نوعی تعامل میان حکومت و مردم را محقق سازد حتی بخشی از این اموال را در مواقع بحرانی که تنها حکومت وظیفه رسیدگی به امور جامعه را دارد می تواند، بهره برداری کند.

در نامه ای که امام علی(ع) به مالک اشتر می نویسد در مورد مالیات نکات بسیار مهمی را متذکر شده که پرداخت مالیات وظیفه ی مردم است اما حکومت باید آن را در جهت عمران و آبادانی جامعه و گسترش عدالت اجتماعی و فقر زدایی در جامعه و مواقع بحرانی استفاده کند. در حقیقت حکومت از این منبع مالی در جهت اصلاح و آبادانی جامعه باید استفاده کند.

حضرت علی(ع) در نحوه ی گرفتن مالیات و میزان آن و نظارت مردم به نحوه تخصیص آن در جامعه ظرافت خاصی را به کار می برد.27

\_بیت المال

بیت المال در خزانه مالی کشور در دست زمامدار، استاندار و فرماندار است و به عنوان نبض اقتصاد مالی جامعه محسوب می شود پس کسانی که به عنوان زمامدار و مسئول امور مسلمین انتخاب می شوند را باید در دهله ی اول امین نسبت به اموال عمومی و هر آنچه که متعلق به همه مردم است باشند.

در زمان خلیفه سوم به دلیل تبعیض های ناروا به قدری شکاف در طبقات مردمی به وجود آمده بود که ثروتمندان ثروتمند تر شده بودند و فقیران فقیر تر و ضعیف تر گشته بودند و در رابطه ی با این توجه های نادرست حکومت به اطرافیان خود حضرت علی(ع) اینگونه می فرماید: شخص سومی از آن جمع در نتیجه ی شورا به خلافت برخاست. او در مسیر انباشتن شکم و خالی کردن آن بود و بالا کشیدن پهلو های خویش. به همراه او فرزندان پدرش برخاستند و چونان شتر که علف های با طراوت بهاری را با احساس خویش می خورد، مال خدا را با دهان پر می خورند.

اما هنگامی که حضرت علی(ع) آن پیشوای بزرگ عدالت به خلافت رسید در نخستین اقداماتش درباره برگرداندن املاک مسلمانان که عثمان به اراده ی شخصی خود به دیگران(نزدیکانم، اشراف و دوستدارانش بخشیده بود چنین گفت:

« سوگند به به خدا اگر آن املاک را پیدا کنم، به مسلمانان بر می گردانم، اگر چه مهریه ی زنان قرار گرفته یا کنیزها با آن خریداری شده باشد. زیرا گشایش کارهای اجتماع در عدالت است کسیکه عدالت برایش تنگی ایجاد کند، ستم برای او تنگناتر خواهد بود.28

\_فقرا و بیت المال

حضرت علی(ع) درباره ی وظیفه ی ثروتمندا فرمودند: همانا خداوند سبحان در اموال ثبوتمندان روزی فقرا را قرار داده است از این رو هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر اینکه ثروتمند در کمک به فقرا کوتاهی کند و خداوند تعالی در روز قیامت آنها را به خاطر این کوتاهی مورد سؤال قرار خواهد داد.29

یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی در کنارندبیر اموراقتصادی توجه به بینوایان ومحرومان در جامعه است.درهرجامعه ای عده ای از افراد تهید ست وازکارافتاده وجود دارند که برای گذراندن زندگی خود نیازمند کمک از جانب حکومت می باشند .

حضرت علی(ع) ازتوجه به این ام غافل نبود همانطور که می بینیم حضرت درنامه خود به مالک اشتر به ایشان چنین می فرما یند:

درطبقه پایین مردم از حاجتمندان وبینوایانند که کمک واداره ی زندگی آنان لازم است وقانون خدا برای هریک ازآنان امکانی نهاده است وبرای هریک ازآنان حقی که مصلحت وی را برآورد بر عهده ی زمامدار است. وزمامدار نمی تواند از حقیقت آنچه که حق ازآنان برعهده دارد بر آید مگر باکوشش واستمداد از خداوند متعال وآماده کردن نفس خود برای التزام به حق چه تحمل آن همه موارد سبک باشد چه سنگین. پس برای فرماندهی لشگرت کسی را انتخاب کن که به عقیده ی توخیرخواه ترین آنان به خدا، رسول خدا(ص) وپیشوایت باشد. وبه ناتوانان رئوف تروبر اقویا نیرومند ومسلط باشد.30

ودرجای دیگر می فرمایند: مالکا، خدا را خدارا درنظر بگیر درباره ی طبقه پایین ازمردمی که چاره ای ندارند ازبینوایان ونیازمندان ومشقت زدگان وزمینگیرشدگان ، زیرا دراین طبقه مردمی قانع وحاجت خواه وجود دارد. حق خدا را که ازتو مراعات آنان را درباره ی آنان خواسته است حفظ کن و برای آنان ازبیت المال وقسمتی ازعایدات خالصه جات اسلام را ذر هر شهری در نظربگیر.31

توجه به افراد فقیرو محروم در رفتارهای خودایشان نیزنمود داردبه طوری که روزی حضرت مشاهده کردندکه مرد نابینایی می گذشت از مردمان پولی طلب می کرد امیرالمومنین(ع) فرمودند: اورا بکار گرفتید تا زمانی که کور وعاجزشد، آنگاه ازکمک کردن به او باز ایستادید؟ از بیت المال به او خرجی دهید.32

\_مساوات

حضرت علی(ع)پس از کوتاه کردن دست سردمداران جور وفساد وباز پس گرفتن اموال واملاک مربوط به بیت المال به توزیع صحیح وعادلانه آن درمیان مردم پرداخت ودر این امر هیچ گونه رابطه وخویشاوندی را درنظر نمی گرفت وهیچ گونه تبعیضی بین افراد جامعه قائل نمی شد.چنانکه رفتارایشان بابرادرش عقیل که درخواست سهم بیشتری از بیت المال کرد نمونه ای است از عدالت ایشان ورعایت مساوات در میان همه است وداستان مرد نابینا نصرانی که در قسمت قبل اشاره کردیم شاهدی براین ماجراست. توجه امام عزیزمان به این امر نشان دهنده ی آن است که تمامی کسانی که درقلمرو حکومت اسلامی زندگی می کنند دارای حق وحقوق شهروندی می باشند که باید به طور تمام وکمال بدون تبعیض های ناروا به آنها پرداخت گردد.

\_شیوه توزیع در حکومت

هلابن مسلم ازجدّ خود نقل می کند که می گفت: من درخضور علی(ع)بودم که اموالی را نزدیک غروب آوردند، حضرت خطاب به دست اند رکاران فرمود: این اموال را به افراد مستحق تقسیم کنید، آنان جواب دادند، حالا وقت شبانگاه فرا رسیده، اجازه دهید فردا تقسیم کنیم ، مولای متقیان فرمودند: شما ضامن می شوید که من تا فردا زنده هستم؟! فرصت را ازدست نداده، هرچه سریعتر تقسیم کنید، ماموران چراغ های شمعی فراهم ساخته وآن را به صاحبان اصلی رساندند!!33

در روایت دیگر اینگونه وارد شده است که، بزودی امام علی(ع) با تنی چند از مهاجران و انصار در محلی که بیت المال بصره در آن جمع شده بود، داخل شد و با نگاهی به آن اموال فرمود: « ای طلاهای زرد و ای نقره های سفید، دیگری را فریب دهید». آن گاه پس از تفکری عمیق فرمود: «آنها را میان یارانم و هر کس که با من است، پانصد درهم، پانصد درهم توزیع کنید». چنین کردند و به همه ی دوازده هزار نفر به طور مساوی و بدون آنکه کم بیاید، پانصد درهم رسید. سلاح ها و چهار پایان و ابزار و آلات جنگی لشکرش را نیز فروخت و پول آن را میان یارانش تقسیم کرد و برای خود همان برداشت که به دیگران رسیده بود! یعنی پانصد درهم. ناگاه مردی آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین من چیزی نگرفته ام و تازه از راه رسیده ام. امام(ع) همه ی پانصد درهم خود را به وی داد.34

مبارزه با مفاسد اقتصادی

وجود مسائل بسیاری در نظام اقتصادی کشور موجب ایجاد اختلالاتی در نظام می گردد و هرآنچه که موجبات بی نظمی در نظام اقتصادی گردد به عنوان مفاسد اقتصادی به شمار می رود و این ها جزء آسیب های یک جامعه است که می تواند وضع یک کشور را مختل نماید و مانع پیشرفت و رشد آن شود. به همین دلیل لازم دانستیم که به چند مورد از این بی نظمی ها در دوران حکومتی امام علی(ع) و نحوه ی مبارزه ی ایشان با آنها اشاره کنیم.

\_ربا

ربا به معنای فزونی، زیادی و سودی که وام دهنده از وام خود می گیرد و در شرع زیادتی مال است از عوض شرط برای یکی از دو طرف عقد.35

یکی از بزرگترین آفت های اقتصادی که به مرور زمان موجب رشد اقتصاد ناسالم در جامعه می گردد ربا می باشد که همواره مورد نکوهش بوده است به طوری که خداوند در آیات 278 و 280 سوره بقره ربا را جنگ با خداوند اعلام کرده است و حضرت علی(ع) به عنوان حاکمی عادل از چنین آسیب بزرگ اقتصادی غافل نبوده اند و با آن که فتنه ها و آشوب های عظیم در یک جامعه اسلامی به شمار می رود، مبارزه کرده اند.

در خطبه ی 156 نهج البلاغه رسل خدا(ص) به حضرت علی(ع) درباره ی فتنه های اموال در آینده اینگونه خطاب می کنند:« یا علی در آینده قومی دچار فتنه در اموال می گردند ... که حرام خدا را حلال تلقی می کنند و به وسیله ی شبهه های دروغین و هواهای غافلگیر، شراب را به عنوان آبجو حلال می شمردند و رشوه ی پلید را هدیه می نامیدند و ربا خواری می کنند و نام آنها را خرید و فروش می گذارند».

و در روایت دیگر از امام عزیزمان اینگونه آمده است: « ای گروه تاجران! فقه سپس تجارت، فقه سپس تجارت، فقه سپس تجارت. سوگند به خدا، ربا در این امت پنهان تر از نرم رفتن مورچه بر سنگ سخت صاف است، ایمان خودتان را به صدق و راستی بیامیزید، تاجر فاجر است و فاجر در آتش، مگر تاجری که حق بگیرد و حق بدهد.36

خوب است در پایان این مبحث به این سؤال نیز پاسخ دهیم که علت تحریم ربا چیست؟

امام صادق(ع) در رابطه با تحریم ربا اینطور می فرمایند:« همانا اگر ربا حرام بود هر آینه مردم تجارت و آنچه بدان محتاج اند را رها می کردند. پس خداوند ربا را به خاطر سوق دادن حرام از حلال و به سوی تجارت ها از قبیل خرید و فروش، حرام کرد پس تجارت ها را بین مردم در وام دادن( نه ربا) باقی گذاشت.37

\_رشوه

رشوه به معنای دادن مالی به کسی برای انجام دادن مقصود خود یا آنچه به کسی دهند تا کار سازی ناحق کند.38

رشوه و رشوه دهی در یک جامعه باعث برهم زدن نظام اقتصادی و عدالت اجتماعی می شود چرا که افراد سودجو و منفعت طلب با دادن رشوه به اهداف ناصحیح خود دست می یابند و کارگزاران حکومتی با گرفتن رشوه زمینه های ایجاد فساد در دستگاه های حکومتی را فراهم می کنند که به مرور زمان بدگمانی و بدبینی مردم نسبت به عاملان و مجریان قانون در حکومت اسلامی را فراهم می کند و با گذشت زمان رخنه عمیقی در نظام اقتصادی جامعه ایجاد می شود شاید جایی برای جبران آن باقی نماند.

حضرت علی(ع) به شدت مخالف این کار ناپسند بودند، طوری که اشعث بن قیس پس از تشکیل حکومت علوی، شبانه در تاریکی همراه با تحفه و حلوای لذیذی به خانه ی امام علی(ع) آمد تا بلکه از این طریق روابط کار خود را سامان دهد، حضرت به ایشان فرمودند:« آیا این تحفه است و یا زکات و صدقه؟ بدان که زکات و صدقه بر ما حرام است»، اشعث گفت: نه هیچ کدام نیست بلکه بخشش و احسان است، حضرت فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند، آیا بدین وسیله می خواهی مرا فریب دهی؟!39

حضرت با گفتن این سخن ثابت کردند که حکومت ایشان بر اساس ضابطه است نه رابطه و به رهروان راه خویش نشان داده اند که رشوه های مردم را هر چند به صورت تحفه باشد نپذیرند و طمع و توقعات فریبکاران را که به خانه های مسئولین سرازیر می گردند، از ریشه و بن قطع کنند.

\_احتکار

گرد آوردن و انبار کردن و نگاهداشتن غلبه یا چیز دیگر به قصد گران فروختن را احتکار گویند.40

یکی دیگر از مفسده هایی که در یک جامعه موجبات از بین رفتن آرامش و ایجاد اضطراب های ناشی از درآمد های اندک برای رفع احتیاجات روزمره ای که قیمت هایشان بسیار گران و تهیه آن ها دشوار است احتکار می باشد. این صفت ناپسند حاصل از طمع زیاد از گذشته بود و امروز هم وجود دارد.

مولای متقیان هرگز از مبارزه ی با این فساد اقتصادی کوتاهی نکردند با توجه به متن نامه ای که ایشان به مالک اشتر نوشته اند به راحتی می تواند اهمیت این موضوع را درک کرد.

«بدان با این حال عده ی زیادی از آنان (بازرگانان و صنعتگران) مبتلا به تنگ نظری ولئامتی بسیار شدید و احتکار منافع خود و زورگویی در معاملات می باشند و این صفت پلید موجب وارد کردن ضرر به مردم جامعه و عیب زمامداران است، لذا از احتکار جلوگیری کن زیرا رسول خدا(ص) از احتکار جلوگیری فرمود.41

\_استئثار و انحصار گرایی

کسانی که اموال عمومی و امکانات خدا دادی را برای بهره داری همگانی است ویژه خود و نزدیکان خود می سازند و به خود و فامیلخود اختصاص می دهند، اهل استئثار هستند.

استئثار (انحصار طلبی، نظام انحصاراتی) از ره آورد های شوم سرمایه داری و حکومت های وابسته به سرمایه داران است و آن در لغت به این معناست که انسان مال و متاع و یا چیزی را که مورد میل و رغبت و نیاز دیگران است، ویژه ی خود سازد و با خودکامگی و استبداد دست دیگران را از آن کوتاه کند.

استئثار اموال و منابع طبیعی، از عوامل مهم تقسیم نابرابر و غیر عادلانه ی ثروت و پیدایش طبقه ی غنی، مترف، مسرف، فقیر و بینواست. و این کاری است بر خلاف سنت آفرینش و هدف از خلقت مواهب طبیعی؛ زیرا کع اصل در نظام آفرینش تعمیم نفع و بهره برداری عمومی است.

امام علی(ع) از آغاز پذیرش حکومت و خلافت با این ویژه سازی ها در گیر شد و لحظه ای در این مبارزه درنگ نکرد؛ زیرا که استئثار و انحصار گرایی را ضد عدل و تعادل اجتماعی می دانست. امام در نامه ای به یکی از کارگزاران خود چنین می گوید:« ما تصمیم داریم به سوی معاویه و شامیان( برای جهاد) برویم، آنان که به قانون خدا عمل نکردند و اموال عمومی را ویژه ی خویشان و اطرافیان خود ساختند و حدود الهی را تعطیل نمودند و حق( وحقوق) را نابود کردند و در پهنه ی زمین فساد و تباهی گستردند.42

\_نظارت بر بازار

بازار یکی از محورهای اقتصاد جامعه است که نیازمند به نظارت و کنترل دارد تا در حق مردم اجحافی صورت نگیرد و عده ای با کم فروشی و... به حقوق مردم تجاوز نکنند.

حضرت علی(ع) به عنوان حاکم جامعه اسلامی از توجه به این امر خطیر بی توجه نبودند به گونه ای که ایشان در بازارها راه می رفت و به دست خود تازیانه ای داشت و هر کسی را که کم فروشی می کرد و یا در معاملات مردم خیانت می ورزید با آن تازیانه تنبیه می کرد و همه ی بازار را یک به یک از زیر پا می گذراند سپس به بازار خرما فروشان می رسید و می گفت: به همان گونه که جنس خوب خود را عرضه می کنید بد آن را نیز عرضه کنید.( مقصود این است که جنس خوب را جدا نکنید و به یک مشت پولدار مفت خور بفروشید، تاد مردم فرودست مجبور شوند تا از نوع بد جنس و کالا و... استفاده کنند بلکه همه را مخلوط کرده و به نرخ عادلانه بفروشید ).43

نتیجه

با بیان اجمالی از دوران پر فراز و نشیب حکومت حضرت علی(ع) در رابطه با مسائل و نظام مربوط به اقتصاد جامعه آن روزگار و وجود مشکلات و مانع های پیشرفت در آن دوره متوجه این مطلب شدیم که حضرت علی(ع) منتهی تلاش خویش را به کار گرفتند تا جامعه ای با اقتصاد سالم و رو به رشد و تعالی داشته باشند. به همین دلیل حکومتی را در آن زمان حکمرانی کردند که تا کنون هیچ جامعه ای چنان عدالت و اجرایی را در کشور خویش به چشم ندیده است.

هر چه از مولایمان بگوییم ناچیز است چرا که مگر می شود دنیایی از علم و معرفت را در چند صفحه به زبان آورد و چه خوب شاعر بزرگوار(شهریار) در وصف مولایمان می سراید:

نه خدا توانمش گفت نه بشر توانمش خواند متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را

پی نوشت

1.علی اکبر، دهخدا، لغت نامه ی دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و دانشگاه تهران،1373، ج2، ص232.

2.حسن،عمید،فرهنگ فارسی عمید،تهران، امیر کبیر، 1360، ج1، ص206.

3.اکبر، هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف، فرهنگ قرآن، قم، مؤسسه بوستان کتاب، 1383، ج4، ص122.

4.مرکز فرهنگ و معرف قرآن، دایرة المعارف قرآن کریم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، 1382،ج4، ص220.

5.محمد،معین، فرهنگ فارسی معین، تهران، آدنا،1381 ،ج1، ص387.

6.همان، ص701.

7.حسن، عمید، همان، ص977.

8.همان، ص803.

9.مهدی، پیشوایی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق، 1386،ص78.

10.فرزانه، نیکو برش، حکومت وعدالت اجتماعی در دوران علی(ع)، تهران، نغمه نواندیش، 1386، ص158.

11.محمد علی،حاجی ده آبادی، مدیریت فرهنگی، قم، مرکزنشرهاجر،1383، ص17.

12.محمد تقی، جعفری، نهج البلاغه، تهران، شرکت تعاونیکارآفرینان فرهنگ وهنر، 1386، نامه ی 53،ص965.

13.همان، نامه ی 21، ص823.

14.همان، نامه ی 5، ص799.

15.محمد رضا، رمزی اوحدی، 1001 داستان از زندگانی امام علی(ع)، سعید نوین، 1378، ص541.

16.عبد الواحد، تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، بی جا، دارالکتب اسلامی، 1427 ه.ق.ش47، ص501.

17. محمد باقر، مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ه.ق، ج75، ص352.

18.حسین، حماسیان، زندگانی چهارده معصوم(علیهم السلام)، تهران، اقبال، 1374، ص80.

19.عباس، قمی، سفینة البحار، تهران، اسوه، 1422ه.ق، ج2، ص72.

20.علی اکبر، بابازاده، سیمای حکومت علی(ع)، قم، انصاریان، 1378، ص184.

21.محمد رضا، رمزی اوحدی،همان، ص360.

22.محمد باقر، مجلسی، همان، ج41، ص29.

23.نهج البلاغه، نامه47، ص927.

24.همان، خطبه 33، ص127.

25.فرزانه، نیکو برش، همان، ص159.

26.محمد رضا ، رمزی اوحدی، همان، ص542.

27.فرزانه، نیکو برش، همان، ص171.

28. نهج البلاغه، خطبه 15،ص85.

29.صادق، حسینی یزدی، نصایحی از أنبیاء و ائمه ی هدی علیهم السلام، قم، عصر جوان، 1385، ص130.

30.نهج البلاغه، نامه 53، ص953.

.31همان، ص967.

32.احمد، آرام، الحیاة، قم، دلیل ما، 1385، ج6، ص453.

33. محمدبن حسن، حرعاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1414ه.ق، ج11، ص83.

34.محمد رضا، زاده ی جویباری و جمعی از نویسندگان، راه روشن، قم، نشرا، 1387، ص52.

35.خلیل، جرّ، ترجمه سید حمید طبیبیان، فرهنگ لاروس، تهران، امیر کبیر، 1363، ج1، ص1038.

36.جواد، تهرانی، آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، قم، در راه حق، 1379، ص85.

37.عبد الاحد، فرهودی، ترجمه داود حسن زاده و مهدی دشیری، لسان الصدق، بی جا، آرام دل، 1386،ص116.

38. محمد، معین، همان،ص745.

39. علی اکبر، بابازاده، همان، ص56.

40.حسن، عمید، همان، ص88.

41.نهج البلاغه، نامه 53، ص965.

42.محمد، حکیمی، امام علی(ع)- عدل و تعادل، قم، دلیل ما، 1380،ص112.

43. احمد، آرام، همان، ص289.

فهرست منابع

\*قرآن کریم، الهی قمشه ای،مهدی، قم، الهادی، 1375.

\*نهج البلاغه، جعفری، محمد تقی، شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر، تهران،1386.

1. آرام، احمد، الحیاة، قم، دلیل ما، 1385.

2. بابازاده، علی اکبر، سیمای حکومت علی(ع)، قم، انصاریان، 1378.

3. پیشوایی،مهدی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق، 1386.

4. تمیمی آمدی، عبد الواحد، غررالحکم و دررالکلم، بی جا، دارالکتب اسلامی، 1427 ه.ق.

5. تهرانی، جواد، آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی، قم، در راه حق، 1379.

6. جرّ، خلیل، ترجمه سید حمید طبیبیان، فرهنگ لاروس، تهران، امیر کبیر، 1363.

7. حاجی ده آبادی، محمد علی، مدیریت فرهنگی، قم، مرکزنشرهاجر، 1383.

8. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1414ه.ق

9. حسینی یزدی، صادق، نصایحی از أنبیاء و ائمه ی هدی علیهم السلام، قم، عصر جوان،1385 .

10. حکیمی، محمد، امام علی(ع)- عدل و تعادل، قم، دلیل ما، 1380.

11. حماسیان، حسین، زندگانی چهارده معصوم(علیهم السلام)، تهران، اقبال، 1374.

12. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه ی دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و دانشگاه تهران، 1373.

13.رمزی اوحدی، محمد رضا، 1001 داستان از زندگانی امام علی(ع)، سعید نوین، 1378.

14. زاده ی جویباری و جمعی از نویسندگان، محمد رضا، راه روشن، قم، نشرا، 1387.

15. عمید، حسن،فرهنگ فارسی عمید،تهران، امیر کبیر، 1360.

16. فرهودی، عبد الاحد، ترجمه داود حسن زاده و مهدی دشیری، لسان الصدق، بی جا، آرام دل،1386

17. قمی، عباس، سفینة البحار، تهران، اسوه، 1422ه.ق

18. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ه.ق

19. مرکز فرهنگ و معرف قرآن، دایرة المعارف قرآن کریم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، 1382.

20. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، آدنا،1381.

21. نیکو برش، فرزانه، حکومت وعدالت اجتماعی در دوران علی(ع)، تهران، نغمه نواندیش، 1386.

22. هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف، اکبر، فرهنگ قرآن، قم، مؤسسه بوستان کتاب، 1383.